**بسم الله الرحمن الرحیم  
مسجد، هسته مقاومت فرهنگی**

**ایجاد انگیزه:**  
مقوله فرهنگ، نقش تعیین كننده‌ای در تعیین سرنوشت و آینده‌ی یک ملت دارد. فرهنگ یک ملت را می توان مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی های دانست. در نقطه مقابل استقلال فرهنگی وابستگی فرهنگی قرار می گیرد وابستگی فرهنگی بیانگر نوعی پدیده روحی است كه بیشتر در بین مردمان ضعیف و سرخورده بوجود می آید و در این حالت، عدم اعتماد به نفس، خودكم‌بینی و خود تحقیری در ذهن شخص وابسته موج می زند. این نوع وابستگی با توجه به گستره فرهنگ، دارای انواع مختلفی مانند وابستگی فكری، زبانی، خطی، معماری، فكری، علمی و... می تواند باشد.  
در دنیای امروز روش ها و تکنیک ها و مبارزات متفاوت شده است. زمانی بوده که مبارزات از طریق جنگ رودررو با سلاح سرد اتفاق می افتاد تا اینکه سلاح گرم کشف و مورد استفاده قرار گرفت. اما در دوران اخیر دیگر روشها و مکانیزمی که برای شکست دادن دشمنان مورد استفاده واقع می شد، بکار برده نشده بلکه آنقدر میدان کارزار سخت شده است که شناخت دوست و دشمن بسیار مشکل می‌باشد.  
در این میان نقش مسجد به عنوان مرکزی مهم برای ایجاد فرهنگهای مطابق با مبانی دین مبین اسلام چگونه م می تواند در این زمانه با تغییر رویکردها در نوع نگاه به فرهنگ و کارهای فرهنگی موثر واقع شود؟  
  
**اقناع اندیشه:**  
 با تغییر دادن در فرهنگ‌ها و آداب و رسوم ها به‌راحتی می توان موازنه‌ی اقتصادی، سیاسی و... را تغییر داد و می‌توان این موارد را به سمتی سوق داد که مورد پذیرش و دلخواه کسانی باشد که قصد توطئه و براندازی را دارند.  
شاید عمیق ترین مثال برای وابستگی فرهنگی، وابستگی فكری باشد، به طوری كه ریشه سایر انواع وابستگی های فرهنگی را نیز باید در این نوع از وابستگی جستجو كرد. ریشه وضعیت وابسته ملت ایران در عدم استقلال فكری بود كه سال ها در گوشت و خون ایرانی ها و مردم سایر ملل ریشه دوانده است.  
غربزدگی باعث شده بود تا مردم ایران هیچ اراده‌ای از خود در جهت خود كفایی در عرصه های مختلف نشان نداده و در همه زمینه ها خصوصاً علمی و فكری منتظر نتایج مراكز علمی و فكری غرب باشد. حضرت امام راحل این حالت فكری را یك مصیبت بزرگ معرفی كرده و رسیدن به استقلال فكری مردم و خروج از سیطره فرهنگی غرب را جزء اهداف اصلی انقلاب اعلام می كرد.  
امام خمینی(ره) در این زمینه فرمودند:  
«عمده این است كه فرهنگ یك فرهنگ متحول بشود. یك فرهنگی كه از آن غربزدگی بیرون بیاید. همه چیزمان باید اینطور بشود. استقلال فكری، استقلال باطنی، داشته باشد. علاوه بر اینكه استقلال باید داشته باشد و كسی در فرهنگ دخالت نباید بكند، باید استقلال فكری داشته باشد. خودش مستقل و آزاد و روی پای خودش باشد. اینطور نباشد كه توجهش به این باشد كه غرب چه می كند، ما هم دنبال او. آنها چه می گویند، ما هم دنبال او... فرهنگ ما طوری باشد كه بعد از ان شاء الله چند سال دیگر افرادی كه از فرهنگ بیرون می آیند یك افرادی متكی به نفس كه خودشان را ببینند...»[[1]](#footnote-2)  
مقاومت در مقابل تهاجمات فرهنگی که سعی در از بین بردن پایه های استقامتی یک ملت دارند، بسیار امری مهم و مورد اشاره است. بالاخص که دشمنان دیرینه‌ی این کشور بعد از تحولات ایجاد شده در سال 57و ایجاد یک نوع فرهنگ دینی در میان مردم سعی در از بی بردن آن دارند لذا به هر وسیله و چاره ای مانند رسانه های صوتی و تصویری، اینترنت و فضای مجازی، تاثیر در قشر فرهنگی و سینمایی سعی در از بین بردن این فرهنگ غنی دینی در جامعه‌ی ما دارند. اینجاست که ما نیاز به یک هسته‌ی مرکزی مقاومت فرهنگی داشته تا بتوانیم در مقابل این دسیسه‌ها پادزهرها و واکنشهای صحیح از خود بروز دهیم.  
فرهنگ را می توان در دو سطح مادی و معنوی دسته بندی کرد  
فرهنگ مادی: عبارت است از تمامی آنچه که عینی و ملموس است؛ مانند آثار هنری، دست آوردهای صنعتی، بناهای تاریخی، خط، موسیقی و...  
فرهنگ معنوی (غیر مادی): عبارت است از عقاید و رسوم، علوم و معارف، ارزش ها و اندیشه ها، اخلاقیات و... فرهنگ مادی معمولاً تحت تاثیر فرهنگ معنوی رشد می کند، زیرا نوع نگرش به هستی و جهان و ارزشهای حاکم بر جوامع در ساخت ابزار جدید برای امور زندگی به انسان جهت می دهد.[[2]](#footnote-3)  
لذا از همین تعریف می توان نقش و اثر فرهنگ معنوی در مقابل فرهنگ مادی را بازشناخت، که هرچه بتوان در فرهنگ معنوی یک کشور اثر گذاری کرد می توان سرمایه‌های مادی بیشتر کسب کرده و انحراف در سرمایه های مادی کمتر می شود. لذا دشمن در مقوله ی فرهنگ برای از بین بردن فرهنگ معنوی بیشتر سرمایه گذاری کرده و این سرمایه گذاری خود را در سه نقطه معطوف داشته است.  
**سه بخش اساسی فرهنگ**  
به طور كلی سه بخش اساسی برای فرهنگ در نظر گرفته می‌شود:  
الف. شناخت‌ها و باورها.  
ب. ارزش‌ها و گرایش‌ها.  
ج. رفتارها و كردارها.[[3]](#footnote-4)  
مشاهده می شود که دشمن معمولا قصد و هدف اصلی خود را در از بین بردن یک فرهنگ به این عناصر معطوف می کند. در اولین قدم مشاهده می شود که در اعتقادات و باورهای اصلی شخص ایجاد تردید می کنند. مثلا یکی از این موارد اینکه دستورات دین اسلام برای 1400 سال پیش می باشد و این دستورات در این زمانه کارایی نداشته و باید تغییر یابد یا اینکه برهنگی در گذشته عیب بوده است چون هر چیزی مدتی تغییر نكند، لذتش از دست می‌رود. بر این اساس وقتی بنش و باورها تغییر یافت جای ارزش و ضد ارزش نیز تغییر می کند و گاهی ناهنجاری هنجار می شود مانند این مثال معروف که در شهری که همه می لنگند اگر کس راست راه رود به او می‌خندند، اینگونه مصداق پیدا می‌کند.  
اینجاست که باید یک هسته‌ی مرکزی تشکیل داد و بتوان به واسطه‌ی این هسته‌ی مرکزی هجمه های دشمن در قبال مسائل فرهنگی را خاموش کرد. لذا مسجد می تواند یکی از مهمترین مراکز برای خنثی نمودن این دسیسه های شیطانی باشد همانطور که مقام معظم رهبری در مورد این نقش مسجد به عنوان هسته‌ی مرکزی فرهنگی اشاره می فرمایند:  
«بنابراین [مسجد] هسته‌ی مقاومت است، منتها مقاومت بِاَنواعه؛ مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی، و درجای خود هم مقاومت امنیتی و نظامی؛ کمااینکه در مساجد [اینگونه بوده‌].»[[4]](#footnote-5)  
روش کار مسجد در ایجادیک هسته‌ی مرکزی برای مقاومت در مقابل مسائل فرهنگی را می توان در همین سه حیطه‌ ای که دشمنان سعی در تخریب و ایجاد لغزش در ان دارند بیان داشت.  
لذا کارکرد مساجد را باید در تقویت این سه امر مهم یعنی باورها، ارزشها و رفتارها مهم تلقی کرد.

**متن و محتوا**

**نقش مسجد در ایجاد هسته‌ی مرکزی فرهنگی  
الف: شناخت باورها**  
منظور از باورها در فرهنگ کلی منطبق بر دین اعتقادات و دستورات دینی است که نقش موثری در تاثیر و عدم تاثیر پذیری انسان دارد هرچقدر این اعتقادات و باورها در هر کسی قوی‌تر باشد، نفوذ پذیری و تاثیر گذاری در او کمتر می شود.  
لذا مساجد می تواند یکی از عوامل مهم در این اعتقادات و باورهای دینی بر اساس شاکله و پایه های مساجد که در مورد امور دینی و اعتقادی است، داشته باشد.  
در حدیثی شریفی که امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدرانشان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل فرموده‌اند، می فرمایند:  
«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)‏ مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثَهُ وَ الْمَسْجِدُ بَيْتَهُ‏ بَنَى‏ اللَّهُ لَهُ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)‏ فرمودند: هركس كلامش قرآن و خانه‌اش مسجد باشد، خداوند منزلى در بهشت براى او بنا مى‌كند.»[[5]](#footnote-6)  
و همچنین در حدیثی که قطب راوندی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده‌اند، آمده است: «عَنِ النَّبِيِّ(صلی الله علیه و آله و سلم) قَالَ: الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ‏ الْمُتَّقِينَ‏ وَ مَنْ كَانَتِ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَ الرَّاحَةِ وَ الْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاط. نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: مساجد، خانه پارسایان است و هركس مسجد، خانه‌اش باشد، خداوند تضمین کرده که او را در رحمت و راحتی قرار داده و اجازه عبور از صراط به سوى بهشت را به او خواهد داد.»[[6]](#footnote-7)  
با توجه به این دو روایت می توان اینگونه استفاده کرد که مساجد مأمن و مکانی مهم برای مومنان بوده و منزلی دوم برای آنها در نظر گرفته می شود و می‌توان از این مکان معنوی هم در بعد عبادی و معنوی و همچنین ایجاد باورهای دینی بر اساس اصول و اعتقادات دینی با تشکیل کلاس ها و کارگاههای مختلف امکان پذیر است.  
البته تاکید بر اینکه باید مومنین در مسجد حضور یابند بدین معنا نیست که برنامه‌ی دائمشان حضور در مسجد باشد بلکه باید بدین صورت باشد که بر این باشد، با وجود حضور در مسجد ولو در حداقل زمان بهترین استفاده را ببرند.  
آنچنان که پیامبراکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) در وصیت خود به جناب أبوذر می‌فرمایند:  
«يَا أَبَاذَرٍّ كُلُ‏ جُلُوسٍ‏ فِي‏ الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثلاث [ثَلَاثَةً] قِرَاءَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ‏أَوْ سَائِلٌ عَنْ عِلْمٍ. ای أباذر! هر نشستن و حضوری در مسجد بیهوده است، مگر برای سه چیز. نماز خواندن، و یا ذکر و یاد خداوند، و یا آموختن مطلبی علمی.»[[7]](#footnote-8)  
بنابراین، راز تأکید پیامبر و ائمه (علیهم السلام) بر حضور پر رنگ در مساجد را باید در همین سه مورد جستجو نمود.  
قطعاً برپا داشتن نماز، به عنوان رکن اصلی دین و یکی از مهمترین واجبات، انگیزه‌ای مهم برای حضور در خانه خدا می‌باشد، اما بر طبق کلام معصومین و سنتی که در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جاری بوده است، خواندن نماز جماعت، تنها کارایی و هدف مسجد نمی‌باشد. بلکه یاد خداوند و آموزش مطالب علمی نیز دو رکن مهم و دو انگیزه اصلی از حضور مسلمانان در مساجد هستند.  
که در این بین نقش امام جماعت بسیار موثر می باشد، لذا ائمه‌ی جماعات مساجد می توانند، ‌از راه بحث و گفتگو، منطق و استدلال و تبلیغ عملی از راه اصول و عقاید، روان شناختی، جامعه شناختی، به ترویج باورها پرداخت. دلیل این امر نیز این است که دشمن از راه تحریك احساسات و عواطف با استفادة از قوة خیال، رمان، فیلم، داستان،‌ عكس وارد می شود و تبلیغ خود را در قالب پیام‌های پنهان و با شیوه‌های دقیق روان‌شناختی و جامعه‌شناختی انجام می‌دهد. ما باید این شیوه‌ها را خنثی كنیم و در عوض جایگزینی مناسبی به جای آن بگذاریم.  
مقام معظم رهبری در مورد این نقش ائمه جماعات می فرمایند:  
«مسجد پایگاه بزرگ بسیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است؛ شیوه‌ی کار را باید در مسجد آموخت که چه‌کار کنیم. اوّلاً به شما عرض بکنم حرفی که شما با مأمومین خودتان و مسجدی‌های خودتان می‌زنید، از نطق تلویزیونی و مانند اینها بمراتب کارآمدتر و مؤثّرتر است؛ بارها این را عرض کرده‌ایم که نگاهِ چشم‌درچشم و جلسه‌ی نزدیک که نفَس گوینده به شنونده می‌خورَد، یک‌چیز دیگری است؛ این فقط هم در اجتماعات ما تجلّی دارد.»[[8]](#footnote-9)  
لذا مساجد می توانند با همفکری و ایجاد اتاقهای فکر برای خنثی کردن دسیسه های دشمن بر این امور تمرکز کنند که بیشتر دشمنان بر این امور تاکید می ورزند  
هویت جوئی و بازشناسی آن نقش مهمی در مقابله با تهاجم فرهنگی دارد. یافتن پاسخ‌های منطقی و مستدل برای پرسش‌های اساسی(هدف زندگی، جایگاه من در حیات، آیا جوان در نظام هستی از كرامتی برخوردار است؟ و...) باعث توجه جوان به جایگاه رفیع خود نزد پروردگار می‌شود و او را از رنج و آسیب پوچی و درون تهی بودن می‌رهاند.  
  
**ب. ارزش‌ها و گرایش‌ها**  
در دنیای امروز و بالاخص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران وقتی كه دشمن از مبارزة سیاسی، نظامی، اقتصادی به اهداف اصلی و مورد نظر خود نرسید، بهترین راه برای او راه مبارزه از طریق فرهنگی می باشد. تهاجم فرهنگی تدریجاً یك ملت را از درون می‌پوساند. دشمنان با تغییر و خارج کردن افراد از مسیر اصلی می توانند مفاهیم ارزشی مثل ایثار، تعاون و فداكاری، احترام را بی‌ارزش نماید و حتی معنایی مقابل آنها را حکفرما کنند و این مفاهیم تا عمق خانه‌ها نفوذ می‌كند و این نکته را باید در نظر داشته باشیم که در تهاجم فرهنگی برخلاف هجوم نظامی، دشمن اعلام جنگ نمی‌كند و دزد باورها به بهانه دوستی وارد خانه ایمان و ارزش‌های افراد می‌شود.  
نفوذ دشمن را با یک مثال که در خارج و در مسائل زیست شناسی اتفاق افتاده بیان می‌کنیم:  
در علم زیست شناسی یک آزمایش وجود دارد به نام قورباغه داغ! که از این قرار است:  
قورباغه به علت خونسرد بودن از گرما گریزان است. در این آزمایش اگر قورباغه را داخل آب داغ قرار دهیم به سرعت از داخل آب بیرون می‌پرد، اما اگر قورباغه را داخل آب سرد قرار دهیم و بعد ظرف آب را روی شعله آتش قرار داده و به آرامی دمای آب را افزایش دهیم قورباغه در داخل آب می‌ماند و متوجه تغییر دما نمی‌شود. قورباغه بیچاره زمانی متوجه گرمای آب می‌شود که دیگر کاری از او بر نمی‌آید و گرما او را فلج کرده است.  
باید گفت که هدف اصلی در این تغییر ذائقه‌ی فرهنگی، حمله به سنگر باورها و ارزش‌ها به قصد جلب منافع مادی و اقتصادی است. اینها با ابزارهایی صورت می‌گیرد كه به برخی از آنها اشاره می‌كنیم:  
1. ترویج فرهنگ لذت‌جویی و مصرف گرایی و فزون خواهی و مال‌اندوزی.  
2. جدائی دین از سیاست (منزوی كردن علماء، معرفی اسلام به عنوان چهرة خشن و..).  
3. ترویج فرهنگ و فكر«هر تغییری (حتی در برابر ارزش‌ها و باورها) لذت‌آور است».  
4. ابتذال و اشاعه فحشا (توزیع و پخش عكس‌های سكس و... اعتیاد، آرایش‌های غلیظ و...)  
5. ایمان زدایی و ترویج فرهنگ شك به نام پیشرفت علم و ترقی فرهنگ و....  
6. امر به معروف و نهی از منكر را فضولی و دخالت در امور دیگران دانستن و جهاد در راه خدا را جلوه‌ای از خشونت معرفی كردن و...[[9]](#footnote-10)  
ارگانهای فرهنگی بالاخص مساجد که سکاندار فرهنگ دینی می باشند باید برای حفظ و صیانت از فرهنگ در مقابل آسیب‌های موجود برنامه ریزی کرده و با بالابردن دیدگاههای افراد سعی در از بین بردن این دسیسه ها داشته باشند.  
مساجد می توانند در گرایش جوانان و افراد جامعه به سمت فرهنگ دینی و از بین بردن تهاجمات فرهنگی چند کار انجام دهند:  
  
**1ـ بازیابی هویت دینی**  
بازشناسی هویت دینی نقش بسیار مهمی در مقابله با تهاجمات فرهنگی دارد. لذا می توان با ایجاد فضایی منطقی برای یافتن پاسخ‌های مستدل برای مقابله با سوالهایی که در فضاهای مختلف رسانه ای برای از بین بردن این هویت دینی انجام می پذیرد مانند اینکه هدف از خلقت انسان و جایگاه انسان در میان مخلوقات، منظور از كرامت انسانی در مورد حقوقی که دین برای افراد قرار داده است و... باعث توجه جوان به جایگاه رفیع خود نزد پروردگار می‌شود و او را از رنج و آسیب پوچی و درون تهی بودن که هدف اصلی دشمنان برای از بین بردن هویت افراد و بعد از آن القای مفاهیم غلط خود به او می‌رهاند.  
**2ـ جایگزینی**  
در دنیای امروز به انحاء روشها دشمنان می خواهند فرهنگهای غلط خود را برای مردم القاء کنند اینجاست که مسئولین و بالاخص بزرگان و مسئولین فرهنگی مساجد ما باید به اصل مهم «جایگزینی» (یك اصل مهم روان شناختی) اهمیت دهند، یعنی اگر یك چیزی را از جوان منع كردیم، حتما باید یك چیزی بهتر و جذاب‌تر از آن را جایگزین نمائیم و به اوقات فراغت و ورزش جوانان اهمیت زیادی بدهیم.  
**3ـ سرگذشت کشورهایی که تحول فرهنگی در آنها رخ داده است**  
مطالعه سقوط اندلس، سرزمین مقتدر اسلامی، به اعتراف تاریخ، مهمترین عوامل سقوط مسلمانان در اندلس چند چیز بود: الف. اختلافات داخلی و بسط و توسعة آن توسط عمال مسیحی.  
ب. خیانت وزراء و زمامداران به خاطر ضعف ایمان و اعتماد به نفس.  
ج. اشاعه فساد و بی‌بند و باری، ‌می‌خواری، شهوترانی (ترویج فرهنگ برهنگی، بی‌حجابی و بدحجای، آرایش‌های تند و...) در میان جوانان مسلمان به وسیله ایادی كلیسا[[10]](#footnote-11).  
**ج. رفتارها و كردارها**بعد از اینکه دو مرحله‌ی قبل و تاثیر انها در فرهنگ را بیان داشتیم مرحله‌ی سوم که رفتارها و کردارها است را می توان نتیجه‌ی دو مرحله‌ی قبل دانست به اینصورت که اگر توانستیم باورها و اعتقادات جوانان را بر اساس اعتقادات صریح دینی و بعد از آن ارزشها و خوبی و بدیها را برای افراد بازگو کنیم نتیجه ای که حاصل می شود همان رفتار و کردار مردم بر اساس منویات و دستورات دین مبین اسلام است. بهمین دلیل دو مرحله‌ی قبل بسیار حساس بوده و نیاز به کار بیشتری دارد.  
امروزه مساجد می توانند به وسیله‌ی تبلیغ در بعضی رفتارها و حرکات سعی در نهادینه کردن فرهنگ اسلامی در خانوادهها داشته باشند مانند التزام و تبلیغ در امر سبک زندگی اسلامی در محورهایی مانند  
**1ـ ازدواج جوانان**  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)‏ مَنْ‏ تَرَكَ‏ التَّزْوِيجَ‏ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ:«إِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ‏. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)‏ فرمودند: هر کس از ترس فقر ازدواج نکند، نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است[[11]](#footnote-12). چرا که خداوند می‌فرماید: «اگر آنان فقیر باشند خداوند از فضل و کرم خود بی‌نیازشان می‌کند.[نور/32]»  
**2ـ تفریحات سالم**  
یکی از فرهنگ سازی ها می تواند سرمایه گذاری روی تفریحات سالم باشد، لذا برعکس جامعه ی امروز که برای تفریحات و استراحت‌، به جای آنکه از معاشرت با خانواده یا برادران دینی بهره‌مند شویم، خود را مشغول به تلویزیون و موبایل و اینترنت و امثال آن می‌نماییم.  
«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: لَهْوُ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ التَّمَتُّعِ بِالنِّسَاءِ وَ مُفَاكَهَةِ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ. امام باقر (علیه السلام) فرمودند:‌ لهو و تفریح مؤمن در سه چیز است. بهره‌مندی از (معاشرت با) زنان (محارم)،گفتگو و شوخی با برادران (دینی) و نماز شب.»[[12]](#footnote-13)  
**3ـ سبک لباس پوشیدن**  
وقتی بخواهیم رفتار و کردار متناسب با فرهنگ دینی داشته باشیم باید در حیطه نوع پوشش و سبک زندگی و نوع نگاه به تجملات زندگی هم کار کرده و در این امر نیز کوشا باشیم. به عنوان مثال در انتخاب نوع لباس و مسکن و وسایل زندگی، جانب نیازهای واقعی زندگی را مراعات کرده و با توجیه اینکه «فلان وسیله را دیگر همه دارند»، خود را به قرض و مشقت می‌اندازیم تا امکاناتی فراتر از توان مالی خویش فراهم کنیم، خلاف نوع و فرهنگ دینی می باشد.  
«عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ‏ لِلْمُسْرِفِ‏ ثَلَاثُ‏ عَلَامَاتٍ‏ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ. أمیرالمؤمنین علی(علیه السلام) می‌فرمایند: اسراف كننده سه نشانه دارد: آنچه در شأنش نيست خريدارى مى‌كند، آنچه در شأنش نيست مى‌‌پوشد و آنچه در شأنش نيست مى‏‌خورد.»[[13]](#footnote-14)  
  
**نتیجه:**باتوجه به مطالبی که در بالا بیان شد، این نتیجه حاصل می شود كه عنصرهای اساسی فرهنگ در سه چیز خلاصه می‌شود: بینش‌ها و باورها (عقیده به توحید، معاد و نبوت و...) ارزش‌ها وگرایش‌ها (مجموعه بایدها و نبایدها و واجبات و محرمات) و رفتارها (چیزی كه بر اساس دو عنصر بینش و ارزش شكل می‌گیرد) و در توضیحات این امر اذعان داشته‌ایم که دشمن بعد از نا امید شدن در امور سیاسی و اقتصادی سعی در نابودی این موارد از طریق تغییر در فرهنگ دارد كه از روی اغفال و مكر در قالب خیرخواهی به جنگ این سه عنصر می‌رود و برای سست كردن یك ملت از راه بی‌ارزش نمودن باورها، ارزشها و... از شیوه‌های مختلفی كمك می‌گیرد. در مقابل ما باید با توجه به شیوه‌های تهاجم آنها به مقابله آنها بپردازیم و توجه داشته باشیم كه یکی از مراکز بسیار تاثیر گذار برای خنثی کردن دسیسه های دشمن مساجد می باشند، مساجد می توانند با تاکید بر باورها و اعتقادات صریح دین اسلام ونهادینه کردن انها با روش های بروز و در ادامه بیان بایدها و نبایدهای دینی و جلوگیری از خروج و انحراف از مسیر اصلی، بتوانند یکی فرهنگ درست در امر رفتارها و کارکردهای و خروجی رفتارهای افراد داشته باشند.  
  
**روضه:**با رویکردی که دشمنان در ایجاد فرهنگهای غلط در جامعه دارند یکی از الگوهای موفق برای جوانان حضرت علی اکبر می باشد.

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَباعَبْدِاللهِ وَ عَلَى الاَْرْواحِ الَّتى حَلَّتْ بِفِنائِکَ عَلَیْکَ مِنّى سَلامُ اللهِ اَبَدا ًما بَقیتُ وَ بَقِىَ اللَّیْلُ وَ النَّهارُ وَ لاجَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّى لِزِیارَتِکُمْ اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَیْنِ وَ عَلى عَلِىِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلى اَوْلادِ الْحُسَیْنِ وَ عَلى اَصْحابِ الْحُسَیْنِ  
  
جوونیتو امروز گره بزن به جوون ابی عبدالله،حسین..."ان شاالله تو جلسمون پدر ،مادر شهید نباشن؛ اگرم هستن من عذرخواهی می کنم.

آمد خدمت امام صادق علیه السلام؛ آقاجان الذ لذائذ برا پدر، مادر چیه؟  
فرمود:اینکه خدا به اونا فرزندی عنایت کنه، این فرزند جلو چشم این پدر مادر بزرگ بشه؛ به سن جوانی برسه، پرسید آقا تلخ ترین لحظات برا همین پدر،مادر چیه؟  
حضرت فرمود: اینه؛ این جوون جلو چشم همین پدر، مادر پرپر بزنه...  
بعضیا نوشتند تا روایت به اینجا رسید راوی دید امام صادق علیه السلام داره گریه می کنه  
"لا یوم کیوم الحسین، یه جوری علی اکبرش رو راهی کرد.  
مرحوم شیخ جعفر می‌نویسد:  
نگاه یک پدر به پسر هفت جوره  
اما نگاه حسین به علی اکبر هیچ کدوم این هفت نگاه نبود  
یه نگاهی کرد،تا حالا به هیچ کدوم از بچه هاش اینجوری نگاه نکرده بود؛"فَنَظَرَ اِلَی،نَظرةَ آیِس منه"این نگاهی که اگه بری میدون دیگه برنمی گردی، نگاه مایوسانه کرد، بذارید روضه رو از همونجایی بخونم که ارباب ما اومد کنار بدن علی اکبرش"

صورت گذاشت رو صورت علی اکبر؛بلند بلند داره گریه می کنه"و نادی باعلی صوت ولدی علی...ولدی علی..."هفت مرتبه هر چی صدا زد جواب نیومد؛ همه دیدند دیگه حسین هم حرکت نمی کنه؛قلبش اینجا از حرکت ایستاد... اما هنوز یه نفر رو داره تو خیمه ها؛ او میدونه چه جوری دل حسین رو به دست بیاره؛ راوی می گه دیدم از بالا بلندی یه خانمی هی زمین می خوره،هی بلند میشه؛   
هی میگه "وا اُخَیّا" بعد میگه "وابن اخیا"اول نگران جون حسینه..  
ان شاالله اربعین کربلاتو امضا کنه علی اکبر...بری از پایین پا عرض ادب کنی؛به خدا هروقت از اونجا مشرف می شی کانه می بینی حسین داره ضجه می زنه، در حسرت یه دونه جواب علی اکبر مونده. تا صدای نفس نفس زدن زینب رو فهمید،بی معطلی بدن رو رها کرد، یادم نمیره بچه بودم مادرمو جلو چشم خودم زدم دیگه نمی ذارم اینجا تکرار بشه... زود زینب و برگردوند؛ مبادا چشم نامحرمی مزاحم ناموسش باشه... امان از عصر روز یازدهم.....[[14]](#footnote-15)

1. صحیفه امام خمینی، ج9، ص75. [↑](#footnote-ref-2)
2. تهاجم فرهنگی و راههای مقابله با آن، مجله معارف، مهر 1388، شماره 69. [↑](#footnote-ref-3)
3. ابراهیمی، عبدالجواد، تهاجم فرهنگی، گردآورنده از سخنرانی‌های استاد محمد تقی مصباح یزدی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص103 و 104. [↑](#footnote-ref-4)
4. بیانات در جمع ائمه جماعت تهران، 1395/5/31. [↑](#footnote-ref-5)
5. محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، الأمالی (للصدوق)، النص، ص 501 [↑](#footnote-ref-6)
6. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 3، ص 362 [↑](#footnote-ref-7)
7. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص 467 [↑](#footnote-ref-8)
8. بیانات در جمع ائمه جماعت تهران، 1395/5/31. [↑](#footnote-ref-9)
9. ، علی، تهاجم فرهنگ و راه مبارزه با آنها، قم، انتشارات دارالنشر اسلام، 1377، ص 10، [↑](#footnote-ref-10)
10. شرفی، محمد رضا، جوان و نیروی چهارم زندگی، تهران، سروش، 1379، ص 65. [↑](#footnote-ref-11)
11. احتجاج طبرسی، ج 2، ص 313. [↑](#footnote-ref-12)
12. محمد بن علی ابن بابویه (صدوق)، الخصال، ج 1، ص 161. [↑](#footnote-ref-13)
13. محمد بن علی ابن بابویه (صدوق)، کتاب من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 167. [↑](#footnote-ref-14)
14. استاد میرزا محمدی [↑](#footnote-ref-15)